



E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2021; 3(1): 171-179

Received: 02-11-2020

Accepted: 08-12-2020

ساقی محمد "سروش"

پروفیسور ، د تاریخ د کدري
علمی خانگی غری ، د بنوونی
او روزنی پوهنخی ، د تخار
پوهنتون

تفاوت های تمدن یونان باستان و تمدن شرق قدیم**ساقی محمد "سروش"****خلاصه**

مفاهیم دوگانه ای چون «شرق» و «غرب» مفاهیم خیلی مغلق اجتماعی را با ساده انگاری و پیش داوری تشریح کرده و غلط انگاری های ما را در مورد مردم و جامعه های دیگر بیشتر می سازند. زمانی که از شرق و غرب حرف می زنیم، تنها در مورد یک تمدن و یک ملت نه، بل، از هزار ها سال تمدن، هزار ها ملت و میلیون ها انسان متفاوت گپ می زنیم. شیوهی تفکر مردم یک سرزمین را تنها از روی نقطه‌ی جغرافیایی که آن ها در آن به دنیا آمده اند، نمی شود تعیین کرد و بر آن برچسب «شرقی» و یا «غربی» زد. در دنیای جهانیزه، این دسته بندی ایده ها و مفاهیم به دو دسته و استفاده از مفاهیم دوگانه، باعث به وجود آمدن دشواری های زیادی هم برای شرق و هم برای غرب می شوند.

روی این مسئله نمی توانیم تفاوت های تمدن یونان باستان و تمدن شرق به آسانی به بررسی بگیریم روی این ملحوظ اولاً در این مقال له مفاهیم تمدن، تاریخچه تمدن، عناصر متشکله تمدن بحث شده است. بعداً تمدن یونان باستان همچنان تفاوت های آن با تمدن شرق به بررسی گرفته شده بعداً عناصر متشکله تمدن را به طور مختصر به مقایسه گرفتیم و فرق آن بیان شده است.

واژه های کلیدی: دوگانه، انگاری، برچسب، دشواری، شرق، غرب.

مقدمه

تا آنجایی که می دانیم یونان با در نظر گرفتن همه معیارها آنقدر ها هم کشور قدیمی نیست؛ اما تمدن یونانی بیش از هر تمدن دیگری معنای باستانی بودن را به جهان آموخت. بر کسی پوشیده نیست که نخستین تمدن های مترقی اروپا در حدود 3200 قبل از میلاد در یونان رشد کردند و آنتی ها در سال 508 قبل از میلاد شاهد دموکراتیک ترین سیستم دنیا بودند. ضمن اینکه یونانی باستان هنوز برای سخنگویان به یونانی مدرن قابل فهم تر به نظر می رسد تا انگلیسی قدیم برای انگلیسی زبانان. بدون شک لحظه های بیشماری هم در تاریخ یونانی راه اهالی این سرزمین به سوی دانش و زندگی غربی گشوده اند.

به همین ترتیب مشرق زمین نیز از قدیم ترین ایام محل سکونت بشر و انسان های اولیه بوده و در عین زمان مهد و کانون اولین تمدن های باستانی جهان به شمار می رود. در سرزمین شرق بود که نخستین گروه های انسانی حالت توحشی و بربریت را پشت سر گذاشته و پا به دایره تمدن گذشتند از همین روست که تمدن های اولیه انسانی مانند تمدن حوزه نیل، بین النهرین، سند، هوانگهو، فنیقی، عبرانی و دیگران در شرق زاده شده و رشد نموده اند، نسل های انسانی از نور و پرتو آنها مستفید گردیده اند. که البته بهترین نقاط برای چنین فعالیت ها، اطراف دریاها بوده و نخستین تمدن های انسانی نیز در اطراف دریا ها ظهور نموده اند.

باید خاطر نشان ساخت که مردمان شرق بودند که تمدن های درخشان و شگوفانی را ایجاد و عناصر تمدنی خود را برای غربیان به وام دادند و غربی ها از گسترده تمدن های شرقی استفاده های بزرگی نموده اند. و تمدن های غربی مانند تمدن جزیره کریت، یونان و روم اکثر عناصر خود را از تمدن های مصر و بین النهرین الهام می گرفت. چنانچه دانشمندان بزرگ مانند اسوالر اسپنگلر وقتی تمدن کریت را مطالعه می نمودند؛ دچار اشتباه گردید و گفت که این تمدن ادامه تمدن مصر است که در این سرزمین اشاعه دادند. روی این ملحوظ، موضوع هذا از اهمیت خاصی برخوردار بوده و یکی از موضوعات دلچسپ تاریخ به شمار می رود که به صورت مختصر تحقیق و بررسی شده است.

Corresponding Author:**ساقی محمد "سروش"**

پروفیسور ، د تاریخ د کدري
علمی خانگی غری ، د بنوونی
او روزنی پوهنخی ، د تخار
پوهنتون

اهداف تحقیق

به صورت کل هدف تحقیق دریافت معلومات در باره یک موضوع مشخص و شرح نتایج تحقیق گفته می شود. تحقیق جستجو و رسیدگی به یک موضوع بوده، ایجاب می کند که درین زمینه سعی و جدیت به عمل آید و باید در تحقیق هدف روشن باشد. یعنی در تحقیق هدف باید مشخص باشد بدون هدف تحقیق صورت گرفته نمی تواند. هدف تحقیق من راجع به تفاوت های تمدن یونان باستان و تمدن شرق قدیم می باشد که چی نقش را در بوجود آمدن تمدن های بعدی می داشته باشد.

سوالات تحقیق.

سوال اصلی.

تفاوت های تمدن یونان باستان و تمدن شرق قدیم در چیست؟

سوالات فرعی

1. فلسفه تمدن یونان باستان و تمدن شرق قدیم چگونه است؟
2. واژه تمدن کدام مفهوم را افاده میکند؟
3. تفاوت های تمدن یونان باستان و تمدن شرق قدیم چیست؟
4. اصطلاح شرق و غرب چیست؟

مواد روش کار

مواد و روش کار در این تحقیق به صورت کیفی (تحلیلی و توصیفی) بوده و برای گردآوری اطلاعات، یافته ها، داده ها و جمع آوری اطلاعات آن از روش های کتابخانه ای و استفاده از منابع و مآخذ جدید علمی در غنا مندی و مستند سازی مورد استفاده قرار گرفته است. با استناد بر منابع کتابخانه ای، اسناد، کتب علمی، مقالات علمی، اثر های علمی و تحقیقی، منابع انترنتی و غیره مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق و پژوهش از روش های متعدد و مختلف استفاده شده است.

1- تمدن و مفهوم آن

تمدن کلمه عربی بوده و از مدینه و مدنیت گرفته شده که مفهوم شهر و شهر نشینی را می رساند و این مفهوم تمدن در زبان عربی معنای واقعی و حقیقی این کلمه را احتوا می نماید. زیرا تمدن به مفهوم واقعی و حقیقی آن زمانی تحقق می یابد که انسان ها بر روی زمین سکونت اختیار نموده، سازمان های سیاسی را ایجاد نموده به داد و ستد پرداخته و قوانین مشترک را رعایت نمایند و برای نجات خود از خطرات خارجی به ایجاد سرپناه بپردازند. در زبان دری کلمه فرهنگ به جای تمدن به کار برده شده است در حالیکه فرهنگ فقط قسمتی از تمدن را می سازد که باعث رشد، تکامل و شگوفایی آن می گردد. در دری فرهنگ مفهوم کامل دارد، پیشوند «فر» به معنی شکوه و جلال و زیرکی و دانایی و پسوند «هنگ» به معنی تراویدن و برون کشیدن. چون واژه (Civilization) در زبان های اروپایی مفهوم کلی تمدن را نمی رساند. برای این منظور در نیم قرن اخیر از واژه کلتور استفاده نموده اند که از ریشه لاتین (Coltura یا Coltura) به معنی کشت و کار گرفته شده است (20: 55).

در زبان لاتین تمدن از کلمه سویلیاز گرفته شده (Civil is) و کلمات (Civis) و (Civita) که در مقابل بربریت به کار برده شده معنای آن یکنوع برتری از نظر سازمان اجتماعی و تکامل شخصیت انسانی می باشد. این کلمه تمدن از چی زمانی مورد استعمال قرار گرفته دقیقاً معلوم نیست. اما ظاهراً اولین بار در سال 1856م در اثر بولانژه (Bolanja) صاحب منصب

فرانسوی به کار رفته است. کلمه تمدن بین سنوات (1765 تا 1775م) آهسته آهسته کسب اهمیت نمود تا اینکه در سال 1798م رسماً جز اصطلاحات علمی فرهنگستان فرانسه گردید. (2: 5).

2. عناصر متشکله تمدن

در مورد اینکه تمدن از کدام عناصر متشکل گردیده است ویلیام (W.J. Droant) جیمز دورانت عالم امریکایی چنین نظر دارد. وی اولین عنصر متشکله تمدن را کار می داند که در عمل کشت کار، داد و ستد، استخراج معادن ترانسپورت، احداث شرکت ها، حفر کانال ها و غیره تبارز نموده و قدیم ترین شکل آن مربوط به تمدن مصر قدیم است. دومین عنصر تمدن دولت است که مظاهر آن را در جوامع قدیم هند و سومر می توان مشاهده کرد. سومین عنصر تمدن اخلاق است که این راه و رسم و روش اخلاق از دربار های قدیم مصر، بین النهرین، آریانا و چین منشأ دارد. چهارمین عنصر تمدن دین است که آن هم دارای تاریخ کهن می باشد. هم چنان علم، هنر، آرت، ادبیات و فلسفه از دیگر عناصری اند که یک تمدن را می سازند. لازم است بگوئیم که تمدن دربر گیرنده بخش معنوی، بخش مادی و سازمان های سیاسی و اجتماعی می باشد مخصوصاً زندگی فکری و معنوی، ویل دورانت معتقد است که: تمام عناصر تمدن از شرق منشأ گرفته اند (20: 5).

3. پیدایش اصطلاح شرق و غرب

اصطلاح شرق و غرب از قدیم ایام معمول بوده است و ساحات متمدنی معمولاً نقاط اطراف دور و نزدیک خود را به این نام مسمی می نموده اند. طور مثال شهر بلخ در افغانستان نظر به ساحه متمدن حوزه سند (هرابه موهنجو دارو) (Herapa-Mohanjodero) بنام باختر یا غرب یاد می گردید. به همین ترتیب یونانی ها در دوره تمدن خویش این اصطلاح را به صورت دقیق تر به کار بردند. آنان سر زمین های خود را بنام یوروپ (غرب) و سر زمین های آسیایی را به نام ایشیا (شرق) مسمی نموده بودند و از همین رو این دو قاره مجموعاً بنام یورشیا یاد می گردیدند. (14: 32).

با انکشافات جدید علمی و ثبوت کرویت زمین شرق و غرب مفهوم دقیق تر را به خود گرفت به این معنی که از صفر الی 180 درجه طول البلد شرقی بنام نیم کره شرقی زمین یاد گردید که در آن آسیا- اروپا- استرالیا- افریقا- انترکتیکا- بحر هند- بحر منجمد شمالی و جنوبی قرار می گیرند و از صفر الی 180 درجه طول البلد غربی که نیم کره غربی زمین را احتوا می نماید ابحار اعظم الکاهل - اطلس و قاره امریکا در آن قرار دارند. (19: 68).

در قرن بیستم با توسعه های جدیدی که در ساحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وقوع پیوست برای اولین مرتبه اصطلاحات شرق میانه- شرق نزدیک- شرق دور و جنوب شرق آسیا از طرف اروپاییان مورد استعمال قرار گرفت.

اروپاییان نظر به فاصله سرزمین ها از نقاط حکمروایی خویشان به این سر زمین ها این اصطلاحات را اطلاق نمودند. طور مثال سرزمین های بالکان بلغاریا- هنگری یونان و ترکیه را به نام شرق نزدیک مسمی ساختند و سرزمین های بین ترکیه و هند را که در آن فلسطین، مصر، عربستان سعودی، لبنان، سوریه، عراق شیخ نشین های خلیج فارس، ایران و بعضاً افغانستان شامل می گردند بنام شرق میانه مسمی نمودند که در حقیقت

امران، آسیای جنوبی غربی را دربر می گیرد. اصطلاح شرق میانه یا میدل ایست (Middle East) برای اولین مرتبه توسط آلفرد تایرمان (A. Tair Mann) ژورنالیست امریکایی در روزنامه تایمز و در سال (1921م) در کنفرانس قاهره کلمه میدال ایست (شرق میانه) را سروینستون چرچل (Sriwinston Charchil) صدراعظم بریتانیا مورد استفاده قرار داد. بعد از ختم جنگ دوم بین المللی و به میان آمدن بلاک های سوسیالیستی و سرمایه داری اصطلاح شرق و غرب وارد سیاست گردید به این معنی که به اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش اصطلاح بلوک شرق و به امریکا و متحدانش اصطلاح بلوک غرب اطلاق گردید. در مقابل اینها کشور های بیطرف در سال 1955م در باندونگ (Bandung) واقع اندونیزیا کنفرانسی را تشکیل داده و کشور های غیر منسلک را بوجود آوردند که در هیچ یک از بلاک ها شامل نبوده اند البته بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در سال 1991م اصطلاح بلاک شرق از بین رفت (2: 9-10).

4. تمدن یونان باستان

یونان کشوری است از مغرب زمین و در تاریخ و تمدن غرب دارای مقام و موقعیتی بسیار مهم می باشد. زیرا تمدن یونان نخستین تمدن اروپایی است و یونانی ها اولین ملت اروپایی هستند که به تشکیل دولت توفیق یافته اند. (10: 76).

5. تمدن های شرق

کشتکاری و صنعت کاری، حمل و نقل و دادو ستد. در مصر به قدیم ترین شیوه زراعتی و آبیاری و تهیه نوشابه هایی چون ففاح و شراب و چای (که ظاهراً تمدن جدید بدشواری می تواند بدون آنها استوار ماند) برمی خوریم. صنایع دستی و مهندسی همچنانکه در اروپای پیش از ولتر سخت رونق داشتند، در مصر قبل از موسی نیز در مدارج کمال بودند. تاریخ کهن عمارات آجری به عصر سارگن اول می رسد. اول بار چرخ کوزهگری و چرخ ارابه در عیلام، و پارچه کتانی و شیشه در مصر، و ابریشم و باروت در می توان گفت که در عصر نوسنگی، زراعت و دام پروری آسیا و اروپا از لحاظ قدامت برابر بودند. احتمالاً فرهنگ های عصر نوسنگی آسیا از فرهنگهای عصر نوسنگی اروپا سالدار ترند. (8: 13-15).

6. مقایسه و تفاوت های تمدن یونان باستان و شرق

در اینجا تفاوت های تمدن یونان باستان را با تمدن شرق با همراهِ عناصر یک تمدن که شامل: کار- حکومت- اخلاق- علم- فلسفه- ادبیات- هنر بررسی می نمایم تا دریافت کنیم که تمدن یونان باستان و تمدن های شرق چه تفاوت داشته و دارای کدام ویژگی می باشند.

7. کار در یونان باستان

تمدن قوم آخایی، یعنی تمدن یونانیان ((عصر پهلوانی))، از تمدن پیش از خود، یعنی تمدن موکنایی، نازلتر و از تمدن پس از خود، یعنی تمدن قوم دوری، والاتر بود. قوم آخایی در قریه امر، از لحاظ جسمانی گیر است: مردان بلند و پر قوت اند، و زنان به معنی دقیق کلمه دوست داشتنی و فریبنده. این قوم، مانند رومیان هزاره بود، فرهنگ را چون فسادی زنانه به تحقیر می نگرند، کتابت را با بیزاری به کار می گیرند، و ادبیاتی که می

شناسند منحصر به سرود های جنگی و ترانه های نامکتوب خنیاگران است. اگر سخن هومر را باور داریم. باید بپذیریم که قوم آخایی، به مدد زئوس، مصداق آرمان یک شاعر امریکایی بود. این شاعر گفته است که، اگر او خدا بود، همه مردان را نیرومند میساخت و همه زنان را زیبا میآفرید و آنگاه خود مرد میشد. یونان در عصر هومری اجتماع رویایی زیبارویان است. مردان، با موی بلند و ریش دلاورانه خود، خوش منتظیرند. بزرگترین هدیه های که مرد آن روزگار می تواند به دوستش پیشکش کند، این است که موی خود را ببرد و روی توده هیزمی که جسد دوستش را می سوزاند قرار دهد. برهنگی هنوز متداول نشده است: هر دو جنس پیکر خود را با جام های مستطیل شکل، که روی شانۀ تا می خورد و با گیرهای بسته میشود، می پوشانند. این جامه تقریباً به زانو میرسد، ممکن است زنان نقاب یا کمربندی هم به کار برند و مردان لنگی بر کمر ببندند که، به تناسب شان ایشان، به صورت زیرشلواری یا شلوار معمولی در میآید. فرخندگان یونانی ردا های مجلل را خوش دارند ردا هایی از آن گونه که پریاموس، به نام فدیه پسرش، با خضوع و خشوع نزد اخیلس میآورد. مردان برهنه ساقند، و زنان برهنه بازو: و هر دو جنس در بیرون خانه کفش سرپایی به پا میکنند. ولی معمولاً در خانه پای پوشی ندارند. هم مردان و هم زنان خود را به جواهر میآریند. زنان و برخی از مردان، چون پاریس، ((روغن آمیخته به عطر گل سرخ)) بر پیکر های خود می مالند. این مردان و زنان چگونه زیست میکنند هومر آنان را به ما چنین نشان می دهد: زمین را میکارند؛ خاک تیره تازه برگشته را با لذت بو می کشند، با غرور کرت هایی را که به خط مستقیم شخم زده اند از نظر می گذرانند، گندم را باد افشان می کنند، کشت زار ها را آب می دهند، و برای جلوگیری از طغیان های زمستانی، لبه رود ها را بالا میآورند. هومر نومیدی کشاورزان را هم، که سیلاب محصول ماه ها رنج آنان را میشود، به ما می نماید: ((سیلاب پر توان ... در مسیر تند خود، بندها را در هم می کشد، و نه ردیف دراز خاکریز ها مانع اش می شوند و نه دیوار های باغستان های پرمیوه در برابر یورش ناگهانی آن ایستادگی می ورزند.)) کشتکاری دشوار است. زیرا بیشتر زمین ها یا کوهند یا مرداب یا تپه بیش هزار، و جانوران وحشی به دهکده ها می تازند. از این رو، شکار کاری است ضروری، و هنوز به صورت ورزشی تفریحی در نیامده است. توانگران، دام پروران بزرگند و گاو و گوسفند و خوک و بز و اسب به بار میآورند، چنانکه مردی به نام اریختونیوس دارای سه هزار مادیان تخمی بوده است. برده گان ماهی و حبوبات و گاهی سبزی میخورند. جنگجویان و مالداران به گوشت کباب شده مایلند و چاشنت را با گوشت و شراب آغاز می کنند. اودوسئوس و خوک چرانش، برای دهان گیره، خوک کوچک بریانی فرو می برند و، برای ناهار، تلتی از گراز پنج ساله. به جای شکر، انگبین دارند و به جای کره، پیه و به جای نان، چونه هایی از حبوبات که، روی صفحه های آهنین یا سنگی داغ، به صورت ورق های پهن و نازک در میآورند و می پزند. بر خلاف آتینان، به هنگام خوردن نمی لمند، بلکه روی صندلی می نشینند. صندلی های آنان دور میزی چیده نشده است، بلکه کنار دیوار قرار دارند و بین آنها میزهای کوچکی نهاده شده است. چنگال و قاشق و دستمال سفره در میان نیست، و کارد هم منحصر به همان است که مهمان و میزبان همواره همراه خود

دارند. غذا را با دست می خورند، و همه، حتی تنگستان و کودکان، شراب رقیق می نوشند.

زمین به خانواده یا طایفه متعلق است، نه به فرد. پدر زمین را در اختیار دارد، اما نمی تواند آن را به فروش رساند. در منظومه ((ایلیاد)) از زمین هایی پهنوار به نام ((تمنوس)) یا اراضی رعایای سلطان نام می رود. این زمین ها در واقع از آن همه جامعه است، و هر کس می تواند رمه خود را در مراتع بچراند. به تصریح منظومه ((اودیسه)) (اودوسیا)، اراضی عمومی دیر نمی پایند: اغنیا و اقویا آنها را می خردند و تصرف میکنند، در نتیجه، یونان قدیم، درست مانند انگلیس جدید، فاقد هر گونه اراضی عمومی می شود.

زمین، گذشته از خوراک، فلز هم به دست می دهد. اما مردم آخایی از استخراج معادن غفلت می ورزند و خرسندند که مس و قلعی و نقره و طلا و نیز آهن را، که برای آنان فلز تجملی تازه است، از خارج وارد کنند.

در مسابقاتی که به افتخار پاتروکلوس برپا می شود، جایزه برنده تود های از آهن است. هومر از زبان اخیلوس می گوید که آهن برای ساختن بسیاری از وسایل کشاورزی به کار می رود، اما سخنی درباره ساختن سلاح آهنین نمی راند، و این نکته می رساند که در آن زمان سلاحها را از مفرغ می ساختند. در منظومه ((اودیسه)) شرح آب دادن آهن آمده است، اما محتملاً این حماسه جدیدتر از ((ایلیاد)) است.

آهنگر در پای کوره، و سفالگر کنار چرخ کوزه گری خود کار می کند. ولی سایر پیشهوران عصر هومری زین سازان، بنایان، نجاران، قفسه سازان در خانه کسی که آنان را فرا خوانده است به کار می پردازند. این مردم برای فروش و سود تجارتي دست به تولید نمی زنند. ساعات دراز سرگرم کار میشوند، از سر فراغت کار می کنند و از نیش و انگیزه رقابت علنی مصونند. هر خانواده بیشتر نیازمندی های خویش را خود برمی آورد. همه اعضای آن، حتی بزرگ خانه، در کار شریکند. امیر محل، مثلاً اودوسئوس، هم برای خود چکمه و زین، و برای خانه خود تخت و صندلی می سازد. همگان، بر خلاف یونانیان اعصار بعد، به مهارت یدی خویش می بالند. پنلوپه (پنلوپیا)، آندروماخه، و هلنه، همانند زنان خدمت کار خود، سرگرم ریسندگی و بافندگی و قلا بدوزی و کارهای خانگی هستند. هلنه، وقتی که سوزن کاری خود را به تلماخوس نشان می دهد، دوست داشتنی تر جلوه میکند تا هنگامی که با ملاحه بر باروی تروا می خرامد.

پیشهوران مردمی آزادند و، برخلاف همتایان خود در اعصار بعد، برده شمرده نمی شوند. سلطان، به وقت اضطرار، کشاورزان را به کار می خواند، اما از وجود سرف های مقید به زمین خبری به ما نرسیده است. بردگان معدودی وجود دارند، ولی آنان نیز در وضعی پست به سر نمی برند. بیشتر آنان در خانه ها کار میکنند و همپایه خدمت گزاران خانگی کنونی ما هستند، با این تفاوت که خدمت آنان تا پایان عمر ادامه دارد. بردگان مورد خرید و فروش قرار می گیرند، گاه به گاه از خداوندان خود آزار می بینند، ولی معمولاً جزو خانواده خداوندان به شمار می روند و در بیماری و ملال و پیری از حمایت محروم نمی مانند. ممکن است رابطه انسانی محبت نیز بین آنان و آقا یا بانویشان برقرار شود. (17:43).

هنگامی که کنیزان نوسیکانا الیسه خانواده او را در رود می شویند، نوسیکانا آنان را یاری میکند، با آنان به توپ بازی می پردازد، و بر روی هم، کنیزان را چون هم نشینان خود، مورد ملاحظت قرار می دهد. اگر زنی برده از آقای خود پسری آورد،

پسر معمولاً در شمار آزادان است. با این همه، در تاخت و تازها یا تهاجمات دریایی میتوان هر کسی را گرفت و برده کرد، و این تلخ ترین وجه زندگی قوم آخایی است.

جامعه عصر هومر جامعه های روستایی است. دهکده های چند است که روی تپه های در سایه ارگی گرد آمده اند. ارتباطات جامعه به وسیله پیک یا منادی صورت می گیرد. از این گذشته، روی قله ها آتش می افروزند و به وسیله شعله آن، نواحی دور از یکدیگر را مرتبط می کنند. رفت و آمد در خشکی، به سبب کوه ها و مرداب هایی که راه و پل ندارند، دشوار و خطرناک است. درودگران گاری هایی با چرخ های چوبین پره دار می سازند. با وجود این، مردم بیشتر کالاهای را بر پشت اشتران یا بردگان حمل میکنند. داد و ستد دریایی، علی رغم دزدان دریایی و طوفان ها، سهلتر است. لنگرگاه های طبیعی بسیار است، و کشتیرانان فقط در سفر چهار روزه و مهلک بین کرت و مصر، از رویت خشکی محروم می شوند. معمولاً کشتی ها شبانگاه بر شن می نشینند، و سرنشینان آنها، دور از تلاطم، بر خاک ایمن می آرمند. در این عصر، هنوز فنیقیان در بازرگانی و ناوبری بر یونانیان چیرگی می ورزند، و یونانیان این نقیصه را با تحقیر و ترجیح دریازی تلافی می کنند.

یونانیان عصر هومر پول نمی شناسند. شمش های آهن و مفرغ و وسیله های مبادله است، و گاو نر و گاو ماده میزان ارزش به شمار می روند. یک شمش بیست و شش کیلوگرمی ((تالانتون)) (به معنی وزن) نام دارد.

معاملات پایاپای هنوز رایج است. ثروت را با قطعات فلز یا کاغذ، که ارزش آنها هر لحظه موافق دگرگونی اقتصادی بشر در معرض تغییر است، حساب نمی کنند، بلکه، از روی واقع بینی، با کالاهای مخصوصاً حیوانات می سنجند. آثار هومر، مانند عالم واقع، هم نمایشگر فرادستان و هم نمودار فرودستان است. جامعه بشری به مثابه ارباب های پرتکان است که در راهی ناهموار سیر می کند. از این رو، هر چه در ساختن اربابه دقت مبدول شود، باز برخی از اشیای گوناگونی که در آن نهاده شده اند، ناگزیر به زیر می روند و برخی روی آنها قرار می گیرند کوزه گر همه ظرف ها را از یک خاک و با استحکام و شکنندگی یکسانی نمی سازد (16:22).

8. کار در تمدن های شرق

در مصر به قدیم ترین شیوه زراعتی و آبیاری و تهیه نوشابه هایی چون فقاغ و شراب و چای بر می خوریم. صنایع دستی و مهندسی همچنان که در اروپای پیش از ولتر سخت رونق داشتند، در مصر قبل از موسی نیز در مدارج کمال بودند. تاریخ کهن عمارات آجری به عصر سارگن اول می رسد. اول بار چرخ کوزه گری و چرخ اربابه در عیلام، و پارچه کتانی و شیشه در مصر، و ابریشم و باروت در می توان گفت که در عصر نوسنگی، زراعتی و دام پروری آسیا و اروپا از لحاظ قدامت برابر بودند. احتمالاً فرهنگ های عصر نوسنگی آسیا از فرهنگ های عصر نوسنگی اروپا قدیم ترند، چین ساخته شد. طرز استفاده از اسب از آسیای میانه به بین النهرین و مصر و اروپا انتقال یافت. کشتی های فنیقی پیش از عهد پریکلس، افریقا را دور زدند. قطب نما، که انقلاب تجاری اروپا را به وجود آورد، از چین برخاست. قرارداد های بازرگانی، مقدمات بانکداری و معامله با طلا و نقره اول بار در سومر پدید آمد. و چین، قبل از کشور های دیگر، دست به معجزه تبدیل طلا و نقره به پول کاغذی زد (2:40، 56).

9. دولت در تمدن یونان باستان

در سنت فلسفی غرب، یونان باستان را به عنوان سرمنشا تفکر فلسفی و اندیشه پردازای سیاسی می دانند. در واقع، در یونان باستان بود که اولین نظریات مدرن و منسجم در باره حکومت و سیاست، تدوین گردیده و همین ایده ها در عرصه عملی هم پیاده شده و نظام اجتماعی - سیاسی که به نام دولت-شهر شناخته می شود را تشکیل دادند.

همان طور که ذکر شد زندگی سیاسی - اجتماعی در یونان باستان، مبتنی بر نظام حکومتی دولت - شهر بود؛ یعنی شهرهایی تقریباً خودکفا که ارکان سیاسی، نظام اجتماعی و آموزشی، سیستم اقتصادی و قضایی و روابط خارجی مختص خود را داشتند. مهمترین و مشهورترین این دولت - شهرها عبارت بودند از آتن و اسپارت. با این حال بالنده ترین و ماندگارترین نظریات سیاسی و اندیشه پردازان در دولت - شهر آتن سر برآوردند. آتن شهری بود با حدود 300 هزار نفر جمعیت، که از این افراد، فقط به اصطلاح مردان آزاد، حق دخالت در سیاست، و به عبارتی دیگر حق مشارکت در دموکراسی آتنی را داشتند. در این بین زنان و شهروندان نابالغ را راهی به سیاست نبود. در دولت - شهر مذکور عده زیادی خارجی هم زندگی می کردند که شماری از آنان بازرگانان آزاد بودند؛ ولی بخش اعظم این بیگانگان، برده هایی بودند که یا در جنگ ها به اسارت درآمده بودند و یا این که خریداری شده بودند.

سیستم حکومت دولت - شهر آتن در حدود قرن پنجم پیش از میلاد مسیح شکل گرفت. مردان آزاد بیشتر به کارهایی از قبیل کشاورزی، بازرگانی و صنعت می پرداختند؛ و در عین حال کارهای طاقت فرسای جسمانی را به بردگان واگذار می نمودند. وظیفه دیگر این مردان آزاد، شرکت در بحث های سیاسی و فلسفه پردازی و هنر ورزی بود. این شهروندان آزاد دارای صلاحیت شرکت در اداره شهر و برعهده گرفتن مناصب حکومتی و اجرایی پنداشته می شدند.

پر واضح است که اداره امور سیاسی آتن از طریق نهادهای مشورتی، قانون گذاری و اجرایی خاص خود انجام می شد. شورای پانصد نفره مشورتی که به صورت انتخابی برگزیده می شد، به عنوان نهاد تقنینی این شهر در نظر گرفته به شمار می آمد. مدت انجام وظیفه این شورا یک سال بود و هر سال انتخابات انجام می شد. این شورا خود به ده بخش تقسیم می شد که به نوبت، مسئولیت شورا را بر عهده می گرفتند. اعضای دادگاه های قضایی نیز به صورت انتخابی برگزیده می شدند و احکام خود را نیز از طریق رای گیری درونی صادر می کردند. با اینکه مقامات مشورتی، تقنینی و اجرایی آتن، ثابت نبودند ولی عده ای کارگزار دولتی با نام استراتژ، می توانستند سال های مدیدی منصب خود را حفظ کنند و از این رو تاثیر این افراد بر امور سیاسی دولت - شهر آتن، تعیین کننده بود. در دولت - شهر آتن، همواره بازار مباحثات سیاسی، فلسفی و ایدئولوژیک، داغ بود و در همین شهر بود که یونانی ها ماندگارترین و زاینده ترین ایده های سیاسی خود را از زبان افلاطون و ارسطو، عرضه داشتند.

گرچه آتن به عنوان الگویی کهن برای دموکراسی پنداشته می شود، ولی این نظام در پی اختلافات و رقابت های داخلی و جنگ های بیرونی با دیگر دولت - شهرهای یونان و بویژه پس از شکست در برابر اسپارت، شکوه و عظمت خود، و ساز و کارها و نهادهای سیاسی آن، کارایی خود را از دست دادند. از سوی دیگر در این نظام حکومتی، زنان از حق اظهار نظر

سیاسی برخوردار نبودند؛ و برده داری نیز جزئی لاینفک از این نوع سیاست ورزی محسوب می شد و در واقع بدون وجود برده ها، شهروندان آزاد آتن، وقت کافی برای شرکت در بحث های طولانی و گاه بیهوده و بی ثمر سیاسی را نداشتند. علاوه بر این ها، طبقات مختلف اجتماعی این شهر موروثی بودند و از این رو هیچ نسبتی با مفهوم شایسته سالاری نداشتند (3: 136).

10. دولت و حکومت در تمدن شرق

دولت و حکومت سازمانی است برای انتظام حیات فردی و زندگی جمعی - از طایفه [=کلان] اولیه تا خانواده کنونی و دولت. نخستین اجتماعات روستایی در هند، و نخستین حکومت های شهری در سومر و آشور برپا شدند. مصر، در جریان قرن ها، با حداقل فشار، به سرشماری و وصول مالیات درآمد و تأمین صلح داخلی پرداخت. اورانگور و حموربی قانون نامه های بزرگ تدوین کردند؛ و داریوش، با ارتش و دستگاه چاپاری خود، یکی از منظم ترین شاهنشاهی های جهان را برپا داشت (3: 46).

11. اخلاق در تمدن یونان باستان

چون به خواندن آثار هومر مشغول میشویم، خود را در برابر جامعه ای میبینیم که از کنوسوس یا موکنای بی بندوبارتر و ابتدایی تر است. فرهنگ آخایی به منزله گامی است به عقب، برزخی است بین تمدن درخشان آژه و فرهنگ ((عصر ظلمت)) که پس از غلبه قوم دوری فرا میآید. زندگی عصر هومر از لحاظ هنر فقیر، و از لحاظ عمل غنی است. از ژرف اندیشی بر کنار است، سبک و شتابنده است، جوانتر و برومندتر از آن است که جدا در بند آداب یا فلسفه باشد. اما شاید قضاوت ما درست نباشد، زیرا آنچه در مقابل ما قرار دارد فقط یکی از اعصار این جامعه است عصری که جامعه، بر اثر جنگ، در آغوش بحران یا هرج و مرجی شدید دست و پا میزند.

اما این جامعه برای خود جلوه های خوشی نیز دارد: مردم، حتی جنگجویان، بزرگوار و مهربانند. بین پدر و مادر و فرزند مهری هست ژرف و خاموش: اودوسوس، که پس از جدایی دیرنده نزد خانواده خود باز میگردد و شناخته میشود، بر سر و شانه یکایک بوسه میزند، و آنان نیز به همان شیوه او را میبوسند.

چون هلنه و منلائوس به تلماخوس برمی خورند و پی میبرند که وی پسر اودوسوس، آن پهلوان گم گشته دلاور است، آب در دیده میگردانند. آگاممنون خشن خود نیز گریستن میتواند، چندان که اشکهای او هومر را به یاد نهری میاندازد که بر صخره ها جاری است! رفاقت پهلوانان با یکدیگر استوار است، گرچه علاقه ناسالم اخیس به پاتروکلوس، مخصوصاً به جسد او، گرایش کمی بیش جنسی است. مهمان نوازی رایج است، زیرا ((همه بیگانگان و گدایان به زئوس تعلق دارند)). دختران خدمت کار پاهای تمام بدن مهمان را میشویند و با روغن تدهین میکنند و شاید جامه نو بر او میپوشانند؛ به مهمان خوراک و خانه و بلکه هدیه نیز میدهند. ((هلنه خوب رخسار)) چون ردای فاخری بر دست تلماخوس مینهد، میگوید: ((هان! طفل عزیز، من نیز این را که یادگار دستهای هلنه است، به امید زناشویی تو که دیرزمانی آرزویش را داشتهام، هدیه میکنم، تا عروست بر خود پوشاند.)) از این تصویر، رقت انسانی و عواطف لطیفی که در منظومه ایلیاد در زیر سلیح جنگ رخ میپوشاند بر ما آشکار میشود.

شوقی که یونانیان به بازی دارند حتی در هنگام جنگ مکتوم نمیماند. خردسالان و سالداران با انصاف و مودت به مسابقات دشوار ماهرانه تن در میدهند. خواستگاران پتلویه به بازی میگرایند و گروه (دیسک) و زوبین میبراندند. بزرگان قوم فایاکس به پذیرایی اودوسئوس میپردازند، حلقه پرانی میکنند و، از توپ پرانی و رقص، بازی آمیخته غریبی ترتیب میدهند. پس از سوزاندن جسد پاتروکلوس مطابق رسم قوم آخایی، مسابقات دو و گرده پرانی و زوبین افکنی و تیراندازی و کشتی گیری و ارابه رانی و جنگ مسلحانه تن به تن برپا میدارند. این مسابقات، که مقدمه مسابقات اولمپی به شمار میآید، با روحی های عالی صورت میگرفت، مگر در مواردی که اعضای طبقه حاکم پای پیش می گذاشتند یا خدایان دغابازی میکردند.

روی دیگر این تصویر چنین خوشایند نیست: اخلیس ((زنی ماهر در کاردستی)) را جایزه مسابقه ارابه رانی میشارد. برای آنکه پاتروکلوس مرده بیخوراک و بی ملازم نماند، روی هیزمی که برای سوزاندن جسد او گرد میآورند، چند اسب و سگ و گاو و گوسفند و نیز موجود انسانی قربانی میکنند. اخلیس با ادب خوشایندی با پریاموس روبه رو میشود، ولی قبل از آن جسد هکتور را گرد توده هیزم سوختگاه میکشاند و به طرزی فضیحت بار متلاشی میکند. زندگی انسانی در نظر مرد آخایی ارزش چندانی ندارد، و جانستانی کاری مهم نیست و میتوان، محض دمی لذت، جانی را گرفت. هنگامی که شهری سقوط میکند، مردان را میکشند یا به بردگی میفرورسند و زنان را، اگر دلریا باشند، به متعه میگیرند، و اگر نباشند، برده میکنند. دریازنی هنوز حرف های محترم است. حتی شاهان، صرفا به قصد چپاول، دست به لشکرکشی میزنند، به تاراج شهرها و روستاها میپردازند و اهالی را به بردگی میبرند. توسیدید درباره برده گیری میگوید: ((براستی این منبع اصلی معیشت یونانیان ابتدایی بود، و چنان حرف های هیچ گونه خفتی نداشت.)) و شاید افتخار هم داشت. وضع عصر ما از وضع آن عصر بهتر نیست: ملل بزرگ، ملل بی دفاع را مغلوب میکنند و از شرافت و صواب نیز عاری نمیشوند. چون از اودوسئوس میپرسند که آیا بازرگان است و ((خواستار عواید حرص خود))، چنین میپندارد که مورد اهانت قرار گرفته است. اما خود با سرفرازی نقل میکند که در مراجعت از تروا، چون توشه اش به پایان رسید، شهر ایسماروس را غارت کرد و خواربار شهر را در کشتی خود انباشت و ((برای تاراج کشتزارهای بارور و بردن زنان و کودکان خردسال و کشتن مردان)) به سوی رود سرزمین آیگوپتوس [مصر] راند. هیچ شهری از حمله ناگهانی و بی مقدمه مصون نیست.

مردم آخایی بر رغبت سر مستانهای که به راهزنی و کشتار دارند، دروغگویی بی آرم را نیز میافزایند. اودوسئوس بندرت میتواند بی دروغ سخن گوید یا بی خدعه کاری کند.

چون او و دیومدس چاوش شهر تروا موسوم به دولون را میگیرند، پیمان مینهند که اگر دولون اطلاعات مورد لزوم را به آنان بدهد، از جانش درگذرند؛ میدهد ولی او را میکشند. راست است که سایر افراد قوم آخایی در نادرستی به گرد اودوسئوس نمیرسند، ولی نباید پنداشت که آنان نمیخواهند مانند او باشند؛ همه میخواهند مانند او باشند، اما امکان نمیابند. از این روست که اودوسئوس را با رشک مینگرند و میستایند و سرمشق اعلائی خود می شمارند. شاعری که او را تصویر میکند نیز از همه جهت قهرمانش میداند. حتی الاهی آتیه او را محض دروغ گویش تحسین میکند و اعلام میدارد که اودوسئوس را برای

محاسن خاصش دوست دارد، و دروغگویی یکی از آن محاسن است. الاهی با دستش اودوسئوس را مینوازد و لبخند زنان میگوید: ((کسی که بخواهد در شیوه های تزویر از تو بگذرد، باید فریبکار و فرومایه باشد، حتی اگر آن که با تو روبه رو میشود خدا باشد. ای مرد پرتهور، در رایزنی پرستان و در دغابازی سیریناپذیر، گویا در سرزمین خود نیز از تزویر و خبرچینی مکرآمیزی که از صمیم قلب دوست میداری، باز نمایی.)) در حقیقت، ما خود نیز به این مونکها وزن پهلوان آسای دنیای قدیم گرایش داریم. در او و قوم پرتاقت و مکار او برخی ویژگی های دوست داشتنی مییابیم. وی پدری ملایم و، در ملک خود، حاکمی است عادل که ((با گفتار یا کردار، به هیچ یک از مردم سرزمین ستم روا نداشت.)) خوکچران او میگوید: ((هر چه دور شوم، حتی اگر به خانه پدر و مادرم بازگردم، سروری چنان مهربان نخواهم یافت!)) صورت اودوسئوس که به ((صورت پابندگان)) (خدایان) میماند، کالبد سخت ورزیده او که تقریبا در پنجاه سالگی او را در مسابقه گرده پرانی بر جوانان فایاکس چیره کرد، مورد غیظه ماست. ((دل استوار)) و ((دانش خدایوار)) او ما را به تحسین وامی دارد. او را میبینیم که امیدوار به بازدیدن ((دودی که از سرزمین خودش برمی خیزد)) نیست، و از این رو آرزوی مرگ میکند. در بحبوحه خطرها و رنجها به خود میگوید: ((ای روح من، اینک شکبیا باش، از این بدتر را تحمل کرده ای.)) و با این کلمات، که سقراط نقلش را خوش داشت، به خود دل میدهد. در این گونه موارد است که ما نسبت به او احساس همدردی میکنیم. اودوسئوس مردی است آهنین پیکر و آهنین روان و، در عین حال، به تمام معنا انسان و به این دلیل در خور بخشایش.

رمز کار در این است که موازین قضاوت ما و موازین قضاوت انسان آخایی، مانند صلح و جنگ، ناسازگارند. آخایی در دنیای بیسامان و پریشان و گرسنه های به سر میبرد که هر کس باید به حفاظت خود پردازد؛ با تیر و نیزه آماده کار باشد و بتواند با آرامش به خونریزی بنگرد. چنانکه اودوسئوس شرح میدهد، ((شکم حریص را کسی نمیتواند پنهان کند. ... زیرا به انگیزه شکم است که کشتیها به راه میافتند تا خصم را در دریای بی آرام به مذلت افکنند.)) مرد آخایی، چون در وطن خود چندان امنیتی نمیبیند، در خارج وطن به چیزی حرمت نمیگذارد پایمال کردن ضعیف عدل است. در نظر او، فضیلت اعلا همانا هوشمندی دلیرانه و بیرحم است. کلمه فضیلت از نام خدای جنگ مشتق شده و به معنی ((مردی)) است. مرد نیک کسی نیست که ملایم و بردبار و صدیق و معتدل و ساعی و درستکار باشد؛ کسی است که با شجاعت و قدرت بجنگد. مرد بد کسی نیست که زیاد نوشد، دروغ گوید، آدم کشد، و خیانت کند؛ کسی است که بزدل و کودن و ناتوان باشد. آری، مدتها پیش از نیچه و مدت ها پیش از تراسوما خوس و مدت ها پیش از بلوغ دنیای اروپایی، در جهان، نیچه و شانی وجود داشته اند (18: 19).

12. اخلاق در تمدن شرق

اخلاق قانونی است که در روح رسوخ می یابد و افراد را به شناختن حق و باطل و مهارکردن امیال خود می کشاند. از این رو، جامعه بدون اخلاق متلاشی و شکار دولتی منسجم می شود. آداب مردم داری از دربارهای قدیم مصر و بین النهرین و ایران فرا آمدند. حتی امروز هم خاور دور می تواند آداب شایسته ای به غرب تند و بی شکیب بیاموزد. رسم تکگانی در مصر آغاز شد و با رسم تعدد زوجات (چندگانی)، که از عدالت

به دور، اما برای نژاد های آسیایی سودمند بود، از دیرباز در افتاد و استقرار یافت. نخستین فریاد عدالت اجتماعی در مصر، و اولین ندای اخوت بشری و بینش اخلاقی در یهودستان به گوش مردمان رسید (2: 36، 76).

13. دین یونانیان باستان

آثار به دست آمده از ادوار کهن یونان باستان حکایت از روحیه مذهبی مردم این سازمان دارد.

پیشینه عقیدتی یونانیان ریشه در مذاهب بدوی دارد: ((در دین عمومی یونان آثار و بقایای آیین توتم وجود داشت و گیاه مقدس در آن دیده می شد. نوعی درخت بلوط جنبه تقدس داشت و به عنوان هاتف و غیب گو بکار می رفت. حیوانات مقدس مانند ((گاوز)) ((مینوتور)) یعنی غیب گو، از جانب خدا در ((کریت)) قرار داشت. در افسانه های یونان هر یک از حیوانات مقدس اکثراً جهت قربانی برای خدایان بکار می رفت. مانند ((سوسمار)) که قربانی معبد ((آپولون سوروکتون)) بود. مرگ برخی از حیوانات با خدایان همراه بود؛ ((عقاب)) با ((زیوس)) بود و ((جغد)) در کنار ((آتته)) قرار داشت... ((تغییر شکل خدایان به شکل حیوانات غالباً در تاریخ دین به تکرار آمده است)). ((زیوس)) به شکل ((قو)) درآمد تا ((لدا)) را که در جهان تخم می گذارد فریب دهد. قو مربوط به توتمی است که سپس در مقام خدائی شناخته شد و به عنوان پدر برای فرزندان انسان بکار رفت... قربانی حیوان مقدس یکی از مراسم بشمار می رفت در ((آتن)) قربانی سالیانه ((گاو ملکوتی)) تحت تشریفات به نام ((یوفونیا)) انجام می شد. در آتن دختران جوان لباس پوس ((خرس)) در بر می کردند و نام حیوان را بر خود نهاده و به رقص مشغول می گشتند. اقوام ((اژه)) و ((آکیوس)) از نظر اصول به یک نیروی الهی بدون شخصیت عقیده داشتند که با ((مانای)) بدوی قابل تطبیق است. این نیرو بطور خصوصی در بعضی از سنگ های مقدس که گمان داشتند از آسمان افتاده است بر قرار بود... زنان روحانی جهت تازه وارد در دین تشریفات انجام می دادند تا او را از گناه رهایی بخشیده و در دین نیروی ((مانا)) داخل نمایند. مردم یونان به ارواح بسیاری عقیده داشتند که در طبیعت ساکن بودند و می توانستند به صورت انسان یا حیوان در آیند. ممکن بود روحی که در چشمه قرار داشت به صورت اسب نمایان گردد. ارواح مردگان به شکل مار و پرندگان، مخصوصاً پروانه ظاهر می شد، در زبان یونانی کلمه ((پروانه)) و ((روح)) یک معنی دارد. ((جان پرستی)) در یونان اثرات عادی و جادویی داشت:

1. ((حقیقت)) معادل ((تصویر)) بود، تصویر یک خدا نقش قدرت او را داشت.
2. برای خواب دیدن ارزش فراوان در نظر داشتند.
3. عمل جادویی، یعنی زخم زدن به تصویر و مجسمه به نیت دیگری وجود داشت.
4. نیروی کلمات؛ ((زئوس)) برای انجام دادن سخن می گفت: در نتیجه همین گفتن، هر کاری می خواست انجام می گردید.
5. نیروی نفرین و لعنت در ((آرگوس)) رواج بسزا داشت.
6. قدرت سوگند؛ ((هومر)) می نویسد: ((کسی که سوگند خود را نقض نماید مغزش مایع گشته در زمین جاری می گردد)) (3: 137).

14. دین در تمدن های شرق

اعتقاد به عواملی در طبیعت، برای تخفیف رنج ها و اعتلای شخصیت و تقویت غرایز اجتماعی و نظم جامعه. گرمی ترین اساطیر دینی اروپاییان در سومر و بابل و یهودستان ظهور کردند. داستان های مربوط به آفرینش و طوفان عالم گیر و هبوط آدم و رستگاری نهایی بشر در مشرق زمین پرورده شد، و در همین جا بود که مریم، مادر خدا یا، به قول هاینه، «لمطیف ترین گل شعر»، در میان ربه النوع های فراوان شگفت. خاستگاه یکتاپرستی و دلنشین ترین ترانه های عشق و ستایش، و تنهاترین و افتاده ترین و شور انگیز ترین شخصیت تاریخ جایی جز فلسطین نبود (12: 73).

15. علم در تمدن یونان باستان

بر هیچ کس پوشیده نیست که یونان باستان یکی از برجسته ترین کشورها در پیشبرد علم و فرهنگ جهان است. دستاورد های فراوان دانشمندی چون سقراط، تالس، افلاطون، ارشمیدس و... پایه های اصلی علمی را که امروز از آنها بهره می بریم، تشکیل می دهند. با این وجود نباید فراموش کنیم که زادگاه اکثر علمی که در یونان پرورش یافتند، همانا هند و چین و بابل و مصر و بین النهرین هستند. اما این دانشمندان یونانی بودند که به این علوم شاخ و برگ دادند و آنها را تکامل بخشیدند. برای مثال در علم ریاضیات، می توان تأثیر مصر را تا آغاز قرون وسطی به خوبی در تاریخ یونان مشاهده کرد. مانند مسائل هندسه که در ساخت بناها به کار برده می شد و استفاده از کسرهای ریاضی. بارزترین دوره پیشرفت های علمی در یونان باستان، بین سده - های ششم تا چهارم پیش از میلاد شناخته شده است. پژوهشگران، منطقه اژه و سرزمین کرت را در این دوران، محل تولد فرهنگ یونانی و سرزمین ایونیا را به عنوان جایگاه تولد علم در یونان نام برده اند. (15: 89).

16. علم در تمدن شرق

روشن دیدن، بدقت ثبت کردن، بیغرضانه سنجیدن. علم شناختی است که بتدریج اندوخته می شود و آن قدر عینی و صادق است که می توان با آن به پیش بینی پرداخت و بر حوادث تسلط یافت. مصر حساب و هندسه و گاه شماری را بنیاد نهاد. کاهنان و طبیبان مصری طبابت کردند؛ بیماری ها را شناختند؛ به صدها گونه عمل جراحی دست زدند؛ و برخی از آرای سقراط، پدر یونانی طب، را پیش از او به میان نهادند. بابل اختران را مورد تحقیق قرار داد؛ برای منطقه البروج تقسیماتی شناخت؛ و ماه را به چهار هفته، و روز را به دوازده ساعت، و ساعت را به شصت دقیقه، و دقیقه را به شصت ثانیه بخش کرد. هند اعداد ساده و ارقام اعشاری خود را به اعراب رسانید، و لطایف خواب گونه (هیپنوتیسم) و فن مایه کوبی را به اروپا آموخت (9: 234).

17. فلسفه تمدن یونان باستان

فلسفه یونان باستان (به انگلیسی Ancient Greek philosophy) به وجود آمده در قرن 6 پیش از میلاد و با طیف گسترده ای از موضوعات، از جمله فلسفه سیاسی، اخلاق، متافیزیک، هستی شناسی، منطق، زیست شناسی، فصاحت و بلاغت، و زیبایی شناسی در آمیخته است. یونان در نزد دانشمندان و بسیاری از مردم جهان زادگاه فلسفه محسوب می گردد و بسیاری از آثار ارزشمند فلسفی حاصل تلاش فیلسوفان شهیر یونانی است.

20. هنر در تمدن شرق

پس از ده ها قرن از حیات فیلسوفان یونانی، تأثیرات تفکرات فیلسوفان یونانی در آثار فیلسوفان معاصر مشاهده می‌شود. آتن خاستگاه معنویت یونانی و پیشگام تفکر فلسفی می‌باشد و اوج فلسفه یونان در قرن 4 پیش از میلاد یعنی در زمان ظهور سقراط، افلاطون و ارسطو بوده است. اگرچه پیش از افلاطون و سقراط نیز فیلسوفانی چونهراکلیت، طالس و اتکسیمانوس نیز می‌زیسته اند. اما بیشتر متفکران فلسفه غرب را با فلسفه یونانی آغاز می‌کنند و در واقع می‌پندارند که افکار و نظرات افلاطون و ارسطو تأثیرات شگرفی بر فلسفه غرب داشته است. تأثیر فلسفه یونان بر فلسفه مسلمان نیز بسیار بوده است. اولین فیلسوف مسلمان که از رسالات افلاطون اقتباس نموده بود، «ابویوسف بن اسحاق کندی» بوده که در قرن دوم هجری می‌زیسته است. فارابی معلم ثانی (قرن سوم هجری) در افکار و نظریاتش از فیلسوفان یونان بویژه افلاطون تأثیر پذیری زیادی داشته است. علاوه بر فیلسوفان یاد شده ابوالحسن عامری ابن سینا، ابن مشکویه، ابن فاتک، ابن هندو، ابوالبرکات بغدادی، غزالی، ابن باجه و ابن رشد از فیلسوفان یونانی متأثر بوده اند(11:256).

18. فلسفه در تمدن شرق

تلاش برای تحصیل جهان بینی. انسان نیازمند بینشی جهان شمول است، اما، در لحظات فروتنی، نیک در می‌یابد که جهان بینی براستی تنها یک موجود لایتنهای را دست می‌دهد. بنابر این، فلسفه تجسسی است دلبرانه ولی بی نتیجه درباره علل نخستین و معنی نهایی موجودات؛ تأملی است درباره حقیقت و جمال و فضیلت و عدالت و انسان کامل و دولت بی منقصت. این تدقیق ها، اندکی پیش از آنکه در اروپا روی نماید، در مشرق زمین رخ نمود. هنگامی که اروپا هنوز در حال توحش به سر می‌برد، مصریان و بابلیان به طبع و سرنوشت بشری اندیشیدند، و یهودیان در پیرامون حیات و مرگ رسالات جاویدان نوشتند. هندوان، حداقل در عصر پارمنیدس و زنان یونانی، با منطق شناسی و شناخت شناسی بازی کردند. قرن ها پیش از زادن سقراط یونانی، فلسفه اولای اوپانیثاد پیدایش یافت، و بودا نظریاتی در شمار روانشناسی جدید آورد. اگر هند فلسفه را در دین غرق کرد و نتوانست خرد را از دستباز امید و آرزو برکنار برد، چین فلسفه را از دین دور داشت و، قبل از عصر سقراط، متفکری پرورد که هنوز هم می‌توان آرای متین او را، شاید بی تغییر، هادی مردم و ملهم کشورداران شریف دانست(6:98).

19. هنر در تمدن یونان باستان

گرچه یونان باستان را سرزمین ادب و هنر می‌شناسند ولی جاه طلبی و کشورگشایی های برخی از فرمانروایان سبب نابودی بسیاری از آثار هنری آن شد. تمدن یونان باستان از تاثیر گذار ترین فرهنگ هایی است که حیات بشر به خود دیده است. پتانسیل هنری یونان از چنان نیرویی برخوردار است که با گذشت دهه ها و قرن ها همچنان می‌توان ردپای هنر هنرمندان آن را در فرهنگ های سرزمین های جهان مشاهده نمود. حضور چهارگزینه از عجایب هفت گانه دنیا در میان آثار یونان باستان نمایانگر فرهنگ غنی و ماندگار این سرزمین است. توجه یونانیان به دو عنصر زیبایی شناختی و انسان گرایی به خلق آثاری انجامید که تا امروز نیز الهام بخش بسیاری از هنرمندان است.(13:56).

آراستن حیات با رنگ و وزن و صورت های خوشایند. ساده ترین هنر ها تن آرایی است. حتی در مرحله های آغازین تمدن های مصری و سومری و هندی، به جامه های ظریف و آرایش افزار های فضیحت انگیز برمی‌خوریم. مقابر مصری از ساز و برگ فاخر، ظرف های سفالین زیبا، و نقش های هنرمندانه ای که روی عاج یا چوب کنده شده است، مالا مالند. مسلماً یونانیان در پیکر تراشی و معماری و پیکرنگاری و برجسته کاری نه تنها از آسیا و کرت چیزها آموختند، بلکه از شاهکار هایی که در عصر آنان هنوز در پیرامون رود نیل بود نیز درس گرفتند. معماری یونانی در ساختن ستون های معروف به دوری و یونی از مصر و بین النهرین بهره جست. اروپا، گذشته از ستون، طاق ضربی و قبه و گنبد را نیز از این سرزمینها اقتباس کرد. معماری امریکایی کنونی از برجهای کهن خاور نزدیک تأثیر برداشته است. در سده نوزدهم، نقاشی چینی و نقاشی جاپانی وضع و جریان هنر اروپا را دگرگون کرد، و چین اروپا را با صنعت چینی سازی آشنا ساخت و رقیب خود گردانید. آواز های پر وقر و جلالی که پاپ گرگوریوس کبیر در کلیسای کاتولیک رواج داد، از سرود های حزن آلودی که یهودیان تبعیدی عتیق با وحشت در کنیسه های دور افتاده می خواندن نشئت گرفت. چنین است برخی از عناصر تمدن و بخشی از میراث شرقی مغربزمین. ولی میراث فرهنگی مغربزمین منحصر به میراث شرقی آن نیست. بخش بزرگی از آن مرده ریگ دنیای کلاسیک (یونان و روم) است.(3:137).

نتیجه گیری

طوری که از متن و تحقیقات که در این مقاله صورت گرفته است بر می آید که تمدن یونان از جمله تمدن های باستانی در غرب به شمار می رود. همچنان تمدن های چون مصر، بین النهرین، هند، چین، جزیره العرب، آریایی قدیم از جمله تمدن های شرق قدیم به شمار می رود. اگر تمدن یونان باستان با تمدن های شرق قدیم را به بررسی بگیریم گفته می‌توانیم که عناصر چون: علم، دولت، اخلاق، کار، دین برای اولین بار از تمدن شرق مثل بین النهرین و مصر شروع شده است که در قسمت تمدن شرق پیشقدم بوده است. بعداً توسط مهاجرین به غرب و به یونان باستان انتقال شده است. در کشور های شرق قدیم مثل مصر و بین النهرین می‌توانیم عناصر مهم تفاوت یونان باستان و شرق را به میان می‌آورد دین است. این دین است که برای اولین بار در مصر و بین النهرین به وجود آمده و بعداً توسط مسلمانان به اروپا و بعد به یونان باستان انتقال داده شده است که بعداً یونان باستان از خود دین جدای را اختیار نموده است. زمانی می‌گویم مهد تمدن همه چیز تمدن شرق در بین النهرین و مصر بوده و کشور های مثل هند، چین و جزیره العرب در این مقایسه نقش کمتری دارد بنابر این گفته می‌توانیم که تمدن شرق از تمدن یونان باستان کهن تر و با فرهنگ تر بوده است. از کتب و تحقیقات بر می آید که مسلمانان نقش اساسی در انتقال علم و فرهنگ از شرق به غرب داشته و تمام دستاورد های حال آنان از برکت تمدن شرق یعنی بین النهرین و مصر بوده است. با این حال تمدن یونان باستان نیز از جمله تمدن های تاریخی به شمار می‌رود که در بعضی از بخش ها از تمدن شرق قدیم مثل چین، هند و غیره بوده است.

منابع و مأخذ

1. اسمیت، براند. (1385) *مصر باستان*. مترجم: آزینا یاساعی، تهران: ققنوس.
2. پوپل، عبدالباقی. (1395). *تاریخ تمدن های قدیم شرق*. کابل: انتشارات یوسف زاد.
3. توین بی، آنولد جی. (1372). *تاریخ تمدن*. مترجم یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
4. دورانت، ویل. (1343). *مشرق زمین گهواره تمدن*. ج 1، مترجم آریان پور، تهران: انتشارات کتاب های جیبی.
5. دشتی، صاحب نظر. (1397). *تاریخ تمدن اسلام*. کابل انتشارات سید حسیب الله.
6. دیا کوف، وس کوالف. (1350). *تاریخ جهان باستان*. ج-1 مترجمان: محمد صادق انصاری، محمد باقر مومنی و علی الله همدانی، تهران: نشریه اندیشه.
7. ذوالفقاری، علی. (1396). *تمدن یونان باستان*. تهران: مجله علمی دانشنامه.
8. راد ها کریشنان، سروپالی. (1382). *تاریخ فلسفه شرق و غرب*. ج 1 مترجم خسرو جهانداری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
9. رضایی، عبدالعظیم (1380) *تاریخ ادیان جهان*. تهران: انتشارات علمی.
10. شیبانی، نظام الدین مجیر. (1347). *تاریخ تمدن از آفرینش تا ایجاد تمدن مادی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
11. صدریه، عبدالرحمن. (1377). *تاریخ جهان*. تهران انتشارات فردوسی.
12. عثمانی، عبدالرحمن. (1391). *تاریخ جهان باستان*. کابل ریپوروهند.
13. عثمانی، عبدالرحمن. (1391). *تاریخ تمدن اسلام*. کابل ریپوروهندیا.
14. فرملی، محمد حسن. (1352). *تاریخ تمدن غرب*. کابل: نشرات دارالمعلمین عالی.
15. مالستانی، منورشاه. (1386). *تاریخ جهان باستان*. کابل: نشرات وزارت تحصیلات عالی.
16. ماله، آلبر و ژول ایزاک. (1309). *تاریخ ملل شرق و یونان*. مترجم عبدالحسین هژیر، تهران: انتشارات کمیسیون معارف.
17. ماله، آلبر و ژول ایزاک. (1342). *تاریخ ملل شرق و یونان*. ج-1، مترجم: عبدالحسین هژیر، تهران: کتابخانه ابن سینا.
18. نهرو، جواهر لعل. (1331). *نگاهی به تاریخ جهان*. ج 1، مترجم محمود تفضلی، تهران: انتشارات بانک بازرگانی.
19. ناردو، دان. (1383). *یونان*. مترجم: فطمه شاداب، تهران: ققنوس.
20. هوکیتز، بردلی. (1380). *آئین بودا*. مترجم محمد رضا بدیعی، تهران: انتشارات امیر کبیر.